



Developing a Professional Competency Model for Secondary School Teachers

Kolsoum Gholami Andarati^{*1}, Ebrahim Salehi Omran², Samad Izadi³, Hojjat Safar Heydari⁴

¹Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Gorgan, Iran

²Professor, Department of Educational Sciences, University of Mazandaran, Iran

³Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Mazandaran, Iran

⁴Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Mazandaran, Iran

**5Corresponding author: Kolsoum Gholami Andarati, Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Gorgan, Iran*

Email: k_gholami30@yahoo.com

Article Info

Keywords: Professional competency, secondary school teachers, thematic analysis, teacher education, professional development

Abstract

The purpose of the present study was to develop a professional competency model for secondary school teachers in Iran from the perspective of Farhangian University faculty members. This research employed a qualitative approach using thematic analysis. The statistical population included Farhangian University faculty members nationwide with expertise in education, curriculum planning, and educational psychology. Purposeful sampling was conducted, and semi-structured interviews were held with 11 faculty members. Data collection continued until theoretical saturation was achieved. The data were analyzed using open, axial, and selective coding, and strategies to ensure trustworthiness—including credibility, transferability, dependability, and confirmability—were employed to enhance the validity of the findings. The results indicated that professional competency of secondary school teachers is a multidimensional and dynamic construct, organized into seven main dimensions: personal characteristics, skills, knowledge, instruction, ability, evaluation, and attitude. Overall, the findings suggested that the development of teachers' professional competency requires a comprehensive, practice-based, contextually grounded, and continuous approach. The proposed model can provide a scientific basis for curriculum planning at Farhangian University, designing empowerment programs, and improving the quality of education in Iranian secondary schools.

Copyright © 2020, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

تدوین مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان متوسطه

کلثوم غلامی اندراتی^{۱*}، ابراهیم صالحی عمران^۲، صمد ایزدی^۳، حجت صفار حیدری^۴

^۱ استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان گرگان
^۲ استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران
^۳ دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران
^۴ دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران

* نویسنده مسوول: کلثوم غلامی اندراتی، استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان گرگان
Email: k_gholami30@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تدوین مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان دوره متوسطه ایران از دیدگاه اساتید دانشگاه فرهنگیان بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش تحلیل مضمون انجام شد. جامعه آماری شامل اساتید دانشگاه فرهنگیان در سراسر کشور بود که دارای تخصص در حوزه‌های تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزی درسی و روان‌شناسی تربیتی بودند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و با ۱۱ نفر از اساتید مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. گردآوری داده‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند و برای افزایش اعتبار یافته‌ها از راهبردهای اعتمادپذیری شامل باورپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری و تأییدپذیری بهره گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که صلاحیت حرفه‌ای معلمان دوره متوسطه سازه‌ای چندبعدی و پویا است که در قالب هفت بعد اصلی شامل ویژگی‌های شخصی، مهارت، دانش، آموزش، توانایی، ارزیابی و نگرش سازمان‌دهی می‌شود. در مجموع، نتایج نشان داد که توسعه صلاحیت حرفه‌ای معلمان مستلزم رویکردی جامع، مبتنی بر عمل، بومی و مستمر است. مدل ارائه‌شده می‌تواند مبنایی علمی برای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فرهنگیان، طراحی دوره‌های توانمندسازی و ارتقای کیفیت آموزش در مدارس متوسطه ایران فراهم آورد.

واژگان کلیدی: صلاحیت حرفه‌ای، معلمان دوره متوسطه، تحلیل مضمون، تربیت معلم، توسعه حرفه‌ای

آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌دهی به هویت، دانش و مهارت‌های نسل‌های آینده ایفا می‌کند. در این میان، معلم به‌عنوان محور اصلی فرآیند تعلیم و تربیت، نه تنها انتقال‌دهنده دانش، بلکه هدایت‌کننده رشد شخصیتی، اجتماعی و حرفه‌ای دانش‌آموزان است [1]. در عصر حاضر که جهان با تغییرات سریع علمی، فناوری و اجتماعی مواجه است، نقش معلم به‌مراتب پیچیده‌تر و گسترده‌تر شده است. معلم امروز باید علاوه بر تسلط بر محتوای تخصصی، از توانایی‌های شناختی، مهارتی و اخلاقی برخوردار باشند تا بتوانند فرآیند یاددهی‌یادگیری را با کیفیت و اثرگذاری بالا اجرا کنند [2]. در این راستا یکی از مولفه‌های کلیدی برای تضمین کیفیت آموزش، صلاحیت حرفه‌ای معلمان است. صلاحیت حرفه‌ای مجموعه‌ای جامع از دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های معلم است که امکان طراحی، اجرای و ارزیابی فرایند یاددهی‌یادگیری را به شکلی مؤثر فراهم می‌آورد [3]. مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که کیفیت آموزش، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و حتی موفقیت اجتماعی آن‌ها به میزان زیادی تحت تأثیر توانایی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان قرار دارد [4]. و این موضوع در مقاطع مختلف از جمله دوره متوسطه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حقیقت صلاحیت حرفه‌ای معلمان متوسطه در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین عوامل تضمین کیفیت آموزش و تحقق اهداف نظام‌های آموزشی شناخته شده است. در عصر جهانی شدن، تحولات سریع فناوری، گسترش اقتصاد دانش‌بنیان و پیچیده‌تر شدن نیازهای یادگیری دانش‌آموزان، نقش معلم از انتقال‌دهنده صرف دانش به طراح یادگیری، تسهیل‌گر رشد، راهنما و عامل تغییر اجتماعی ارتقا یافته است [5]. در چنین شرایطی، برخورداری معلمان متوسطه از صلاحیت حرفه‌ای جامع و چندبعدی نه تنها یک ضرورت آموزشی بلکه یک ضرورت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محسوب می‌شود. بر اساس آخرین نظریه‌ها و یافته‌های علمی، صلاحیت حرفه‌ای معلمان مفهومی چندبعدی است که ترکیبی از دانش تخصصی، مهارت‌های تربیتی، توانایی‌های روان‌شناختی، شایستگی‌های ارتباطی، مهارت‌های فناوری، اخلاق حرفه‌ای و خودکارآمدی را در بر می‌گیرد [6]. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که دانش موضوعی به‌تنهایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی

دانش‌آموزان کافی نیست و معلمان باید از مجموعه‌ای گسترده از مهارت‌های حرفه‌ای برخوردار باشند. این صلاحیت‌ها شامل برنامه‌ریزی آموزشی، اجرای مؤثر تدریس، ارزشیابی یادگیری، مدیریت کلاس، ایجاد محیط یادگیری مثبت و توسعه حرفه‌ای مستمر است [7]. یافته‌ها حاکی از آن است که هم صلاحیت‌های تربیتی و هم صلاحیت‌های شخصیتی نقش مهمی در کیفیت تدریس و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارند و ترکیب این دو، پروفایل حرفه‌ای معلمان قرن بیست‌ویکم را شکل می‌دهد [8]. از منظر نظری، رویکردهای معاصر مانند یادگیری سازنده‌گرایی، نظریه خودکارآمدی، یادگیری اجتماعی، رویکرد شایستگی‌محور و نظریه جوامع یادگیری حرفه‌ای، اهمیت صلاحیت حرفه‌ای معلمان متوسطه را بیش از پیش برجسته کرده‌اند [9]. در چارچوب این نظریه‌ها، معلم نه تنها باید دانش را انتقال دهد بلکه باید یادگیری عمیق، تفکر انتقادی، خلاقیت، مهارت‌های حل مسئله و سواد دیجیتال را در دانش‌آموزان تقویت کند. این امر مستلزم آن است که معلمان از توانایی طراحی محیط‌های یادگیری فعال، مشارکتی و فناورانه برخوردار باشند [10]. همچنین نظریه خودکارآمدی نشان می‌دهد که باور معلمان نسبت به توانایی‌های حرفه‌ای خود نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد آموزشی، انگیزش و نوآوری آنان دارد و ارتقای این مؤلفه نیازمند توسعه حرفه‌ای مستمر است.

در واقع ضرورت توجه به صلاحیت حرفه‌ای معلمان متوسطه از آنجا ناشی می‌شود که این دوره آموزشی، مرحله‌ای حساس در شکل‌گیری هویت فردی، اجتماعی و شغلی دانش‌آموزان محسوب می‌شود [11]. دانش‌آموزان در این مقطع با چالش‌های پیچیده شناختی، هیجانی و اجتماعی روبه‌رو هستند و نیازمند حمایت‌های تربیتی و راهنمایی تخصصی‌اند. بنابراین معلمان باید علاوه بر دانش تخصصی، از مهارت‌های مشاوره‌ای، ارتباطی، مدیریت تعارض و حمایت روانی برخوردار باشند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که صلاحیت حرفه‌ای معلمان با رضایت تحصیلی، انگیزش یادگیری و عملکرد دانش‌آموزان رابطه مثبت دارد و کیفیت تدریس را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد [12]. از سوی دیگر، چالش‌های جدیدی مانند آموزش پایدار، آموزش مبتنی بر فناوری، یادگیری مادام‌العمر و تنوع فرهنگی، ضرورت بازتعریف صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان را افزایش داده است [13]. معلمان متوسطه باید بتوانند در زمینه آموزش برای توسعه

پایدار، آموزش دیجیتال، یادگیری ترکیبی و آموزش فراگیر مهارت‌های لازم را کسب کنند. تحقیقات نشان داده است که مشارکت در جوامع یادگیری حرفه‌ای و تجربه‌های هم‌آموزی می‌تواند سطح شایستگی معلمان را افزایش دهد و آنان را برای مواجهه با مسائل پیچیده آموزشی توانمند سازد [14]. علاوه بر این، شکاف میان اهمیت صلاحیت‌های حرفه‌ای و کیفیت آموزش‌های ارائه‌شده به معلمان، یکی از مسائل اساسی نظام‌های آموزشی است. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند که آموزش‌های اولیه معلمان اغلب نظری بوده و فرصت‌های عملی کافی برای توسعه مهارت‌های حرفه‌ای فراهم نمی‌کند. در مقابل، تجربه عملی، بازتاب حرفه‌ای و آموزش‌های ضمن خدمت، تأثیر بیشتری در ارتقای صلاحیت‌ها دارند. این امر نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در برنامه‌های تربیت معلم و حرکت به سمت الگوهای مبتنی بر عمل، پژوهش‌محور و شایستگی‌محور است [15]. از منظر اقتصادی و اجتماعی نیز صلاحیت حرفه‌ای معلمان متوسطه اهمیت ویژه‌ای دارد. کیفیت نیروی انسانی هر جامعه به کیفیت آموزش وابسته است و معلمان نقش اساسی در پرورش سرمایه انسانی دارند. نظام‌های آموزشی موفق، توجه ویژه‌ای به توسعه حرفه‌ای معلمان دارند، زیرا سرمایه‌گذاری در این حوزه موجب افزایش بهره‌وری، کاهش نابرابری‌های آموزشی و توسعه پایدار می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دانش حرفه‌ای معلمان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است و ارتقای آن می‌تواند پیامدهای مثبت بلندمدت برای جامعه داشته باشد [16]. در مجموع، صلاحیت حرفه‌ای معلمان متوسطه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی کیفیت آموزش، تحقق عدالت آموزشی، ارتقای یادگیری عمیق، پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر جامعه و توسعه پایدار شناخته می‌شود. توجه به این مفهوم نه تنها موجب بهبود عملکرد معلمان و نتایج یادگیری دانش‌آموزان می‌شود بلکه زمینه‌ساز تحول در نظام آموزشی، ارتقای نوآوری و تربیت شهروندان توانمند و مسئول خواهد بود. بنابراین، پژوهش در حوزه صلاحیت حرفه‌ای معلمان متوسطه، شناسایی مؤلفه‌ها و راهبردهای توسعه آن، و طراحی الگوهای اثربخش تربیت و توانمندسازی معلمان، از ضروری‌ترین اولویت‌های پژوهشی و سیاست‌گذاری آموزشی در قرن بیست‌ویکم به شمار می‌آید [17]. در ایران نیز، با توجه به تحولات فرهنگی، اقتصادی و فناوری، نیاز به معلمانی با صلاحیت حرفه‌ای کامل، بیش از

پیش احساس می‌شود. با این حال، شواهد میدانی و پژوهشی در مدارس ایران نشان می‌دهد که بسیاری از معلمان با محدودیت‌ها و چالش‌هایی مواجه هستند که مستقیماً به میزان و کیفیت صلاحیت حرفه‌ای آنان بازمی‌گردد. از جمله این چالش‌ها بسیاری از معلمان با به‌کارگیری روش‌های فعال و متنوع آموزشی، استفاده از فناوری‌های نوین و طراحی فعالیت‌های یادگیری مبتنی بر تفکر انتقادی و حل مسئله مشکل دارند. این موضوع نشان‌دهنده عدم تطابق مهارت‌های عملی معلمان با نیازهای آموزشی روز است، با توجه به مباحث مطرح شده اساتید دانشگاه فرهنگیان، به عنوان نهاد مسئول تربیت معلمان در ایران، با داشتن تجربه علمی و عملی گسترده در آموزش معلمان، می‌توانند بینش دقیقی درباره مؤلفه‌ها، ابعاد و شاخص‌های صلاحیت حرفه‌ای ارائه دهند. شناسایی این ابعاد از منظر اساتید، می‌تواند چارچوبی علمی برای طراحی برنامه‌های آموزشی، سیاست‌گذاری‌های تربیت معلم و ارتقای کیفیت تدریس در مدارس متوسطه فراهم آورد. علاوه بر این، توجه به بسترهای فرهنگی، اجتماعی و ارزشی ایران در تدوین مدل صلاحیت حرفه‌ای، باعث می‌شود که معلمان قادر باشند در مواجهه با چالش‌های واقعی کلاس‌های درس و نیازهای متنوع دانش‌آموزان، از توانایی‌های حرفه‌ای خود به بهترین نحو بهره‌برداری کنند. این موضوع اهمیت تحقیق حاضر را بیش از پیش نشان می‌دهد، چرا که بدون یک مدل معتبر و بومی، توسعه حرفه‌ای معلمان، ارزیابی کیفیت تدریس و نهایتاً ارتقای عملکرد دانش‌آموزان با محدودیت مواجه خواهد شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان دوره متوسطه ایران از دیدگاه اساتید دانشگاه فرهنگیان، با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. رویکرد کیفی به دلیل ماهیت اکتشافی موضوع و ضرورت درک عمیق از تجارب، ادراکات و دیدگاه‌های خبرگان حوزه تربیت معلم انتخاب شد. تحلیل مضمون نیز به‌عنوان روشی نظام‌مند و انعطاف‌پذیر در تحلیل داده‌های کیفی، امکان شناسایی، تفسیر و سازمان‌دهی الگوهای معنایی در داده‌ها را فراهم می‌کند. جامعه آماری پژوهش شامل اساتید دانشگاه فرهنگیان سراسر کشور بود که در حوزه‌های تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزی درسی، روان‌شناسی تربیتی و آموزش معلمان دارای تجربه علمی و پژوهشی بودند. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و بر اساس معیارهایی همچون تخصص مرتبط، سابقه

تدریس در دوره‌های تربیت معلم، مشارکت در طرح‌های پژوهشی و آشنایی با چالش‌های آموزش متوسطه انجام شد. در این راستا، ۱۱ نفر از اساتید دانشگاه فرهنگیان از مناطق مختلف کشور انتخاب شدند. فرآیند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به گونه‌ای که پس از انجام مصاحبه‌ها، داده‌های جدید منجر به شناسایی مضمون یا مفهوم جدیدی نشد و تکرار مفاهیم مشاهده گردید که نشان‌دهنده کفایت حجم نمونه بود. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. راهنمای مصاحبه بر اساس مبانی نظری و مطالعات پیشین در حوزه صلاحیت حرفه‌ای معلمان تدوین شد و شامل سؤالات باز درباره ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های صلاحیت حرفه‌ای معلمان متوسطه بود. مصاحبه‌ها به صورت حضوری انجام شد و مدت هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه متغیر بود. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به صورت کامل پیاده‌سازی شد. در تحلیل داده‌ها در مرحله نخست، متن مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه شد تا پژوهشگر با داده‌ها آشنا شود. در مرحله دوم، کدگذاری باز صورت گرفت و واحدهای معنایی استخراج شد. در این مرحله مفاهیم اولیه از متن داده‌ها شناسایی و برچسب‌گذاری گردید. در مرحله سوم، کدهای مشابه در قالب مقوله‌های محوری دسته‌بندی شدند و ارتباط میان آن‌ها مشخص گردید. در مرحله چهارم، مضامین سازمان‌دهنده شکل گرفت و در نهایت با ترکیب این مضامین، مضامین فراگیر استخراج شد. این فرآیند به صورت رفت و برگشتی و مقایسه مستمر داده‌ها انجام شد تا انسجام و غنای مفهومی حاصل گردد. به منظور افزایش دقت و قابلیت اعتماد یافته‌ها، از معیارهای اعتمادپذیری در پژوهش کیفی شامل باورپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری و تأییدپذیری استفاده شد. باورپذیری از طریق بازبینی مشارکت‌کنندگان، مرور همکاران و استفاده از نقل قول‌های مستقیم تقویت شد. برای این منظور، خلاصه یافته‌ها در اختیار برخی از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت

و نظرات اصلاحی آنان اعمال شد. انتقال‌پذیری با ارائه توصیف غنی از زمینه پژوهش، ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و مراحل اجرای تحقیق فراهم گردید. اتکاپذیری از طریق ثبت و مستندسازی دقیق تمامی مراحل پژوهش و استفاده از راهبرد ممیزی بیرونی تأمین شد. همچنین تأییدپذیری با نگهداری مستندات، یادداشت‌های تحلیلی، کدها و مقوله‌ها و استفاده از تحلیل مقایسه‌ای مستمر تضمین گردید. همچنین فرآیند کدگذاری توسط یک پژوهشگر (همکار مشرف به ادبیات پژوهش)، به صورت مستقل انجام شد و میزان توافق میان کدگذاران بررسی گردید. در موارد اختلاف، از طریق بحث و اجماع نهایی، کدها اصلاح و نهایی شد. در این پژوهش ملاحظات اخلاقی رعایت شد. مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بود، هدف پژوهش برای مشارکت‌کنندگان تبیین شد، رضایت آگاهانه اخذ گردید و محرمانگی اطلاعات و ناشناس بودن افراد تضمین شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی به دست آمده از مصاحبه با اساتید دانشگاه فرهنگیان ارائه می‌شود. با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش و استفاده از روش تحلیل مضمون، تلاش شد تا الگوهای معنایی نهفته در دیدگاه‌ها و تجارب مشارکت‌کنندگان درباره صلاحیت حرفه‌ای معلمان دوره متوسطه شناسایی و سازمان‌دهی شود. فرآیند تحلیل به صورت مرحله‌ای شامل آشنایی با داده‌ها، کدگذاری باز، دسته‌بندی مفاهیم، تشکیل مقوله‌های محوری و استخراج مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر انجام شد. این روند امکان دستیابی به ساختاری منسجم از ابعاد و مؤلفه‌های صلاحیت حرفه‌ای را فراهم آورد.

جدول شماره (۱): مؤلفه‌های مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان متوسطه

| مضمون فراگیر | مضامین سازمان دهنده | مضامین پایه |
|-----------------------|---------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| صلاحیت حرفه‌ای معلمان | ویژگی‌های شخصی | احترام و ادب در برخورد با دیگران، اعتماد به نفس، جسارت در بیان مفید و اثربخش نظرات، داشتن روحیه انتقادی و منصف بودن، داشتن روحیه گذشت و فداکاری، ویژگی‌های جسمانی، بهره‌مندی از قدرت ارتباطی، صداقت و درستی، توان یادگیری فعال، اخلاق خوب داشتن، درک بالا در مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مسئولیت داشتن نسبت به جامعه، پایبندی به ارزش‌ها، مذهب و اخلاقیات، بهره‌مندی از قدرت رهبری و مدیریت گروهی |
| | مهارت | آشنایی با استانداردهای حرفه‌ای در حل مسئله و تصمیم‌گیری، مشارکت در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های علمیاتی مدرسه (آموزشی، فرهنگی، تربیتی و اجتماعی)، یادگیری مهارت ارتباط دادن محتواهای آموزشی به زندگی واقعی دانش‌آموزان، طراحی و اجرایی برنامه‌های |

آموزشی، طراحی، اجرا موضوع درسی و نظارت بر تجارب یادگیری، استفاده به هنگام و موثر از وسایل و رسانه‌ها و فناوری‌های نوین آموزشی، مدیریت و سازماندهی کلاس درس (نظم، زمان، فعالیت‌های گروهی، ارتباط موثر، و ...)، بکارگیری شیوه‌های نوین تشویق و ترغیب دانش‌آموزان، مهارت استفاده از فناوری و فضایی مجازی در امر آموزش، مهارت طراحی، اجرا، نظارت بر تجارب یادگیری، انجام فعالیت‌های مرتبط با اقدام پژوهشی، درس پژوهی و هدایت پروژه‌های دانش‌آموز، مهارت‌های ارتباطی کلامی و غیرکلامی، آشنایی با شیوه‌ها و ابزارهای ارزشیابی و کنترل آموزش و پیشرفت تحصیلی، تدوین، طراحی و بازنگری محتوای آموزشی و متناسب با نیاز دانش‌آموزان، تقویت و بهبود مهارت‌های حوزه فناوری با توجه به تغییرات روز (به‌روز آوری)، آشنایی با شیوه‌های مختلف تجزیه و تحلیل و نتایج یادگیری

| | |
|---------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| دانش | آشنایی با زبان‌های خارجه، آشنایی با روان‌شناسی تربیتی و ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان، آشنایی با اسناد بالادستی آموزش و پرورش، آشنایی با میراث، فرهنگی در سطح محلی و ملی، آشنایی با مبانی اخلاق اسلامی، آشنایی با مبانی و مزایای کار گروهی، یادگیری دانش استفاده و نگهداری محیط زیست، آشنایی با قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های شغلی، آگاهی از روش‌ها و فنون تدریس، برخورداری از دانش مرتبط با محتوای تخصصی دروس آموزشی |
| آموزش | آموزش روش‌های جدید انتقال مفاهیم به دانش‌آموزان، آموزش توانایی گرفتن و دادن بازخورد به دانش‌آموزان، تربیت دینی و اعتقادی، تجزیه و تحلیل منظم و توجه به فرآیند نتایج ارزشیابی و به کارگیری آن، بهره‌گیری از مفاهیم و زبان متناسب با سن و سوابق دانش‌آموزان و راهنمایی آنان، مهارت پرسش و پاسخ، آموزش کارآفرینی، تربیت بدنی و زیستی، آموزش فعالیت‌های خلاقانه، آموزش رهبری و مدیریت‌های گروهی، تربیت سیاسی و اجتماعی، آموزش اخلاق معلمی (صداقت، پابندی به ارزش‌ها،...) |
| توانایی | تولنایی ارتباط برقرار کردن با فرهنگ و گویش‌های مختلف، تولنایی کلامی برای انتقال مفاهیم، تعامل و ارتباط با دانش‌آموزان، والدین و همکاران و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی، توانایی طراحی و سنجش مناسب از محتوای یادگیری دانش‌آموزان، رعایت رفتار و شأن حرفه معلمی در طول دوران خدمت |
| ارزیابی | شرکت در دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و عملی برای بروز کردن دانش تخصصی خود، بهره‌گیری از سازمان‌ها و نشریات حرفه‌ای به عنوان منابع جهت رشد خود، تشکیل بانک اطلاعاتی از سوابق علمی و آموزشی در طول دوران خدمت، اعطای پاداش و امتیازات ویژه برای شرکت‌کنندگان دوره مهارت افزایی، خود ارزیابی، ارزیابی توسط گروه‌های همتا و همکار و مدیران |
| نگرش | نگرش انتقادی به تدریس خود (ارزشیابی، اجرا و شیوه‌های آزمون، مدیریت جلسات (شورای مدرسه، انجمن اولیاء و مربیان، شورای معلمان، شورای دانش‌آموزی)، برخورداری از نگرشی غنی نسبت به تعلیم و تربیت و انگیزه قوی در تلاش برای کار با دانش‌آموزان، یادگیری مادام‌العمر |

بحث و نتیجه‌گیری

دیدگاه‌ها، روحیه انتقادی، انعطاف‌پذیری، گذشت، فداکاری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پابندی به ارزش‌ها و اخلاق حرفه‌ای، نشان‌دهنده اهمیت شخصیت حرفه‌ای معلم در کیفیت تعاملات آموزشی است. این نتایج بیانگر آن است که معلم صرفاً انتقال‌دهنده دانش نیست، بلکه الگوی رفتاری و تربیتی برای دانش‌آموزان محسوب می‌شود. وجود ویژگی‌هایی مانند قدرت ارتباطی و رهبری گروهی نشان می‌دهد که معلم در کلاس درس نقش هدایت‌گر و تسهیل‌گر یادگیری را ایفا می‌کند. همچنین تأکید بر درک مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بیانگر آن است که معلمان باید از حساسیت اجتماعی برخوردار باشند تا بتوانند نیازهای متنوع دانش‌آموزان را درک کرده و پاسخ‌های تربیتی مناسبی ارائه دهند. در واقع، این بعد نشان می‌دهد که بدون برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی

یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون نشان داد که صلاحیت حرفه‌ای معلمان دوره متوسطه از دیدگاه اساتید دانشگاه فرهنگیان، سازه‌ای چندبعدی، پویا و زمینه‌مند است که در قالب هفت بعد اصلی شامل ویژگی‌های شخصی، مهارت، دانش، آموزش، توانایی، ارزیابی و نگرش سازمان‌دهی شده است. این یافته‌ها بیانگر آن است که حرفه معلمی نیازمند مجموعه‌ای از شایستگی‌های درهم‌تنیده است که به‌صورت هم‌افزا موجب ارتقای کیفیت تدریس و تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت می‌شود. یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، برجسته بودن ویژگی‌های شخصی به‌عنوان بنیان صلاحیت حرفه‌ای معلمان بود. مؤلفه‌هایی همچون احترام و ادب در برخورد با دیگران، صداقت، اعتمادبه‌نفس، جسارت در بیان

مناسب، حتی دانش و مهارت بالا نیز نمی‌تواند منجر به اثربخشی حرفه‌ای شود، زیرا کیفیت تعاملات انسانی و فضای عاطفی کلاس درس به شدت تحت تأثیر ویژگی‌های فردی معلم قرار دارد. بعد مهارت یکی از گسترده‌ترین و مهم‌ترین ابعاد صلاحیت حرفه‌ای شناسایی شد. این بعد شامل مهارت‌های برنامه‌ریزی آموزشی، طراحی و اجرای تدریس، مدیریت کلاس، ارزشیابی، استفاده از فناوری، اقدام پژوهی، درس پژوهی، هدایت پروژه‌های دانش‌آموزی، ارتباط مؤثر و تصمیم‌گیری حرفه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که معلم حرفه‌ای باید بتواند فرایند یاددهی یادگیری را به صورت هدفمند طراحی و مدیریت کند و با توجه به شرایط متغیر کلاس درس، تصمیم‌های انعطاف‌پذیر اتخاذ نماید. تأکید بر ارتباط دادن محتوا به زندگی واقعی دانش‌آموزان نشان‌دهنده حرکت به سوی آموزش معنادار و کاربردی است. همچنین استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی و فضای مجازی بیانگر تحول در نقش معلم در عصر دیجیتال است. از سوی دیگر، توجه به مهارت‌های اقدام پژوهی و درس پژوهی بیانگر اهمیت یادگیری حرفه‌ای مبتنی بر عمل و بازتاب در توسعه شایستگی‌های معلمان است. این امر نشان می‌دهد که صلاحیت حرفه‌ای یک فرایند مستمر و پویا است و معلمان باید به طور مداوم مهارت‌های خود را به‌روزرسانی کنند.

یافته‌ها نشان داد که دانش حرفه‌ای معلمان شامل ابعاد مختلفی از جمله دانش تخصصی، دانش تربیتی، دانش روان‌شناختی، دانش فرهنگی و دانش حرفه‌ای است. تسلط بر محتوای تخصصی دروس، آشنایی با روش‌های تدریس، روان‌شناسی تربیتی، ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان، قوانین و مقررات آموزشی، اسناد بالادستی، محیط‌زیست، اخلاق اسلامی و میراث فرهنگی از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌ها بودند. این نتایج نشان می‌دهد که معلم حرفه‌ای باید از دانش تلفیقی برخوردار باشد و صرفاً تسلط بر محتوا برای پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی کافی نیست. آشنایی با اسناد بالادستی نیز بیانگر اهمیت هماهنگی عملکرد معلمان با سیاست‌های کلان آموزشی است. همچنین توجه به زبان‌های خارجی نشان‌دهنده ضرورت تعامل با دانش جهانی و به‌روز بودن دانش حرفه‌ای است. در مجموع، این بعد نشان می‌دهد که دانش حرفه‌ای معلمان بلید چندبعدی، پویا و مبتنی بر نیازهای بومی و جهانی باشد. بعد آموزش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه صلاحیت حرفه‌ای شناسایی شد. این بعد شامل آموزش

روش‌های نوین تدریس، مهارت بازخورد، تربیت دینی و اخلاقی، آموزش کارآفرینی، فعالیت‌های خلاقانه، رهبری گروهی، تربیت سیاسی و اجتماعی و توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان است. یافته‌ها نشان می‌دهد که معلمان باید از طریق آموزش‌های مستمر و هدفمند، توانایی اجرای نقش‌های چندگانه تربیتی را کسب کنند. تأکید بر آموزش بازخورد و پرسشگری بیانگر اهمیت یادگیری تعاملی و فعال در کلاس درس است. همچنین آموزش کارآفرینی و خلاقیت نشان‌دهنده توجه به مهارت‌های قرن بیست‌ویکم و آمادگی دانش‌آموزان برای زندگی آینده است. این بعد نشان می‌دهد که تربیت معلم باید فراتر از انتقال دانش نظری بوده و به توسعه شایستگی‌های کاربردی و تربیتی بپردازد. در بعد توانایی، مؤلفه‌هایی مانند توانایی ارتباط با فرهنگ‌ها و گویش‌های مختلف، تعامل با دانش‌آموزان، والدین و همکاران، انتقال مفاهیم، طراحی و سنجش یادگیری و رعایت شأن حرفه‌ای مورد توجه قرار گرفت. این یافته‌ها نشان‌دهنده اهمیت صلاحیت‌های عملی و موقعیتی در حرفه معلمی است. با توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، توانایی تعامل فرهنگی یکی از الزامات حرفه‌ای محسوب می‌شود. همچنین تعامل با والدین و سایر ذی‌نفعان نشان‌دهنده اهمیت رویکرد مشارکتی در نظام آموزشی است. این بعد بیانگر آن است که معلم حرفه‌ای باید بتواند در موقعیت‌های مختلف آموزشی و اجتماعی عملکرد مؤثری داشته باشد. یافته‌ها در بعد ارزیابی نشان داد که توسعه صلاحیت حرفه‌ای معلمان نیازمند نظام ارزشیابی مستمر و چندمنبعی است. مؤلفه‌هایی مانند خودارزیابی، ارزیابی همکاران، ارزیابی مدیران، شرکت در دوره‌های مهارت‌افزایی، تشکیل بانک اطلاعات حرفه‌ای و نظام پاداش حرفه‌ای از جمله مهم‌ترین موارد بودند. این نتایج بیانگر آن است که ارزیابی باید به‌عنوان ابزاری برای رشد حرفه‌ای و نه صرفاً کنترل عملکرد مورد استفاده قرار گیرد. همچنین تأکید بر دوره‌های عملی کوتاه‌مدت نشان‌دهنده اهمیت یادگیری مادام‌العمر و به‌روزرسانی مستمر صلاحیت‌ها است. ایجاد نظام پاداش حرفه‌ای نیز می‌تواند انگیزه معلمان را برای توسعه حرفه‌ای افزایش دهد. بعد نگرش به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی موفقیت حرفه‌ای معلمان شناسایی شد. مؤلفه‌هایی مانند نگرش انتقادی به تدریس، انگیزه حرفه‌ای، تعهد، علاقه به کار با دانش‌آموزان، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مدرسه و یادگیری مادام‌العمر در این بعد قرار گرفت، در نهایت یافته‌ها

مدرسه نشان‌دهنده هویت حرفه‌ای قوی و احساس تعلق سازمانی است. این بعد بیانگر آن است که بدون نگرش حرفه‌ای، تحقق سایر صلاحیت‌ها با چالش مواجه خواهد شد.

نشان می‌دهد که نگرش مثبت و انگیزه درونی معلمان، زمینه‌ساز پذیرش نوآوری، بهبود کیفیت تدریس و توسعه حرفه‌ای مستمر است. همچنین مشارکت در فعالیت‌های

منابع

1. Bordoh A, Eshun I, Kwarteng P, Osman S, Brew E, Bakar A. Professional qualification of teachers in teaching and learning of social studies concepts in the senior high schools in Ghana. *Am J Soc Sci*. 2018;6(2):25-28.
2. Gudmundsdottir GB, Hatlevik OE. Newly qualified teachers' professional digital competence: implications for teacher education. *Eur J Teach Educ*. 2018;41(2):214-231.
3. Widyantoro A. Developing English textbooks oriented to higher order thinking skills for students of vocational high schools in Yogyakarta. *J Lang Teach Res*. 2017;8(1):26.
4. Epstein JL. School, family, and community partnerships in teachers' professional work. *J Educ Teach*. 2018;44(3):397-406.
5. Oviawe JI. Revamping technical vocational education and training through public-private partnerships for skill development. *Makerere J High Educ*. 2018;10(1):73-91.
6. Darling-Hammond L, Hyler ME, Gardner M. *Effective teacher professional development*. Palo Alto: Learning Policy Institute; 2017.
7. Khan A, Khan S, Zia-Ul-Islam S, Khan M. Communication skills of a teacher and its role in the development of the students' academic success. *J Educ Pract*. 2017;8(1):18-21.
8. Conley S, You S. Key influences on special education teachers' intentions to leave: The effects of administrative support and teacher team efficacy in a mediational model. *Educ Manag Adm Leadersh*. 2017;45(3):521-540.
9. Chala AA, Walabu M. Practice and challenges facing practical work implementation in natural science subjects at secondary schools. *Pract*. 2019;10(31):1-17.
10. Instefjord EJ, Munthe E. Educating digitally competent teachers: A study of integration of professional digital competence in teacher education. *Teach Teach Educ*. 2017;67:37-45.
11. Voelkel RH Jr, Chrispeels JH. Understanding the link between professional learning communities and teacher collective efficacy. *Sch Eff Sch Improv*. 2017;28(4):505-526.
12. Taie S, Goldring R. Characteristics of public elementary and secondary school teachers in the United States: Results from the 2015-16 National Teacher and Principal Survey. Washington (DC): National Center for Education Statistics; 2017.
13. Mrah I. Developing higher order thinking skills: Towards a rethinking of EFL coursebooks in Moroccan high schools. *J Engl Lang Teach Linguist*. 2017;2(3):225.
14. Drossel K, Eickelmann B, Gerick J. Predictors of teachers' use of ICT in school: the relevance of school characteristics, teachers' attitudes and teacher collaboration. *Educ Inf Technol*. 2017;22(2):551-573.
15. Uerz D, Volman M, Kral M. Teacher educators' competences in fostering student teachers' proficiency in teaching and learning with technology: An overview of relevant research literature. *Teach Teach Educ*. 2018;70:12-23.
16. Dignath C, Büttner G. Teachers' direct and indirect promotion of self-regulated learning in primary and secondary school mathematics classes: insights from video-based classroom observations and teacher interviews. *Metacogn Learn*. 2018;13(2):127-157.
17. Mena J, Hennissen P, Loughran J. Developing pre-service teachers' professional knowledge of teaching: The influence of mentoring. *Teach Teach Educ*. 2017;66:47-59.